آفتاب

۳- آفتاب

۱۹۱ آفتاب، زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند درب و پنجره در ساختمان به کار برده شده و همچنین میخی را که به دیوار کوبیده اند و جزو ساختمان حساب می شود، با شش شرط پاك می کند: اول: آنکه چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد تر شود. پس اگر خشك باشد، باید به وسیله ای آن را تر کنند تا آفتاب خشك کند. دوم: آنکه اگر عین نجاست در آن چیز باشد، پیش از تابیدن آفتاب، آن را برطرف کنند. سوم: آنکه چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند. پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند اینها بتابد و چیز نجس را خشك کند، آن چیز پاك نمی شود. ولی اگر ابر به قدری نازك باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، اشکال ندارد. چهارم: آنکه آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشك کند. پس اگر مثلا چیز نجس به واسطه باد و آفتاب خشك شود، پاك نمی گردد، ولی اگر باد به قدری کم باشد، که نگویند به خشك شدن چیز نجس کمك کرده، اشکال ندارد. پنجم: آنکه آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته، یك مرتبه خشك کند. پس اگر یك مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد، و روی آن را خشك کند و دفعه دیگر زیر آن را خشك نماید، فقط روی آن پاك می شود و زیر آن نجس می ماند. ششم: آنکه مابین روی زمین یا ساختمان که آفتاب به آن می تابد، با داخل آن، هوا یا جسم پاك دیگری فاصله نباشد.

۱۹۲ آفتاب حصیر نجس را پاك می کند، و همچنین درخت و گیاه به واسطه آفتاب پاك می شود.

۱۹۳ اگر آفتاب به زمین نجس بتابد، بعد انسان شك کند که زمین موقع تابیدن آفتاب تر بوده یا نه، یا تری آن به واسطه آفتاب خشك شده یا نه، آن زمین نجس است. و همچنین است اگر شك کند که پیش از تابش آفتاب عین نجاست از آن برطرف شده یا نه، یا شك کند که چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه.

۱۹٤ اگر آفتاب به یك طرف دیوار نجس بتابد، طرفی که آفتاب به آن نتابیده پاك نمی شود، ولی اگر دیوار به قدری نازك باشد که به واسطه تابش به یك طرف، طرف دیگرش هم خشك شود پاك می گردد.